

عنوان مقاله:

الگوی کنشگر در برخی روایت‌های کلامی مثنوی معنوی بر اساس نظریه الگوی کنشگر آلژیرداس گرماس

محل انتشار:

متن شناسی ادب فارسی، دوره 3، شماره 3 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

جلیل مشیدی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

راضیه آزاد - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

خلاصه مقاله:

در علم روایت شناسی شخصیت‌ها به عنوان جزئی از ساختار کلی متن محسوب می‌شوند که تابع کنش‌های از پیش تعیین شده‌اند، بنابراین برای تحلیل شخصیت ابتدا باید الگویی از حوزه کنش آنان به دست آورد. آلژیرداس ژولین گرماس؛ از جمله روایت شناسانی است که به چنین الگویی دست یافته است. گرماس معتقد است، الگوی کنشی که ارائه داده جهان شمول است و با هر روایتی قابلیت انطباق دارد. از طرفی درون مایه روایت می‌تواند تا حدودی بر ساختار آن تأثیر بگذارد. در این مقاله با نظر به جهان شمول بودن الگوی کنش گرماس و قابل انطباق بودن آن با هر چه روایت محسوب می‌شود، برخی از روایت‌های دفتر اول و دوم مثنوی که از درون مایه کلامی برخوردار بودند، برگزیده شد تا نشان داده شود در مواجهه روایت‌های کلامی با الگوی کنشگر به عنوان بخشی از ساختار چه رخ می‌دهد و از خلال این رویارویی دریچه‌ای تازه گشوده شود تا بتوان از این منظر نسبت به برخی روایت‌های کلامی مثنوی به نگاهی بدیع و متفاوت دست یافت. آن چه به عنوان دستاورد این پژوهش بر آن تأکید می‌شود، تغییراتی است که در نتیجه درون مایه کلامی روایت‌ها؛ بخصوص در حوزه کنش بازدارنده و یاری رسان رخ می‌دهد. کنشگران متناسب با نوع عقیده کلامی گاه نسبت به این تغییرات آگاهی دارند و گاه ناآگاهانه عمل می‌کنند. هم چنین بر اساس نظریه گرماس و نیز عقیده توحید افعالی جفت متقابل بنیادین در روایت‌های منتخب انسان و خدا به عنوان دو فاعل مجازی و حقیقی است که مفعول آن‌ها می‌تواند نسبت به هم دو حالت همسویی و تضاد داشته باشد.

کلمات کلیدی:

الگوی کنشگر گرماس، روایت‌های کلامی، مثنوی معنوی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1182764>

